خانواده
تپش
۸ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام‌جم
چهارشنبه ۶تیرماه ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۶۵

شناسنامه
سردبیر تپش: محمد غمخوار
مدیر هنری: حمیدرضا خاتونی
تحریریه: لیلا حسین‌زاده، هلیا نصرتی، امیرعلی حقیقت‌طلب، مجید غمخوار، زینب علیپور طهرانی، معصومه ملکی، سیما فراهانی، آدرینا ایرانمنش
صفحه‌آرایی: وحید اخباری
گرافیک عکس: زرناز حسینی
جلد: سپهر سهامی فرد
ویراستار: سیدمهدی یکه‌سادات
رسانه‌های نو: رضا آرین



تپش را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@TAPESH_JAMEJAM

همکار محترم
سرکار خانم سیما فراهانی

درگذشت پدر گرامی‌تان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت گفته، برای آن مرحوم از ایزد منان غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت داریم.

همکاران شما در ضمیمه تپش

درخواست طلاق به دلیل زندگی در مالزی



سیما فراهانی
تپش

زوج جوانی که در کشور مالزی برای اولین‌بار همدیگر را دیدند، به دلیل زندگی در این کشور کارشان به جدایی کشید. مرد جوان می‌خواست در همان کشوری که برای اولین‌بار عاشق شده، زندگی کند، ولی همسرش چند ماه بیشتر دوام نیاورد و تصمیم گرفت به ایران برگردد. همین موضوع پای این زوج را به دادگاه خانواده کشاند.

مرد جوان وقتی روبه‌روی قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت، درباره ماجرای زندگی‌اش گفت: به‌دلیل تصمیم‌گیری نادرست همسرم کارمان به اینجا کشیده است. من و نفیسه سه سال پیش آشنا شدیم. ما هر دو به مالزی سفر کرده بودیم و در آن مسافرت همدیگر را برای اولین‌بار دیدیم. بعد از این آشنایی کوتاه‌مدت تصمیم به ازدواج گرفتیم. چند ماه بعد از بازگشت‌مان به ایران با هم نامزد شدیم، ولی از همان روزهای اول آشنایی‌مان وقتی تصمیم به ازدواج گرفتیم، با هم قرار گذاشتیم برای زندگی به مالزی برویم. چون آنجا با هم آشنا شده بودیم، این کشور برای هردوی ما عزیز شده بود. از آنجا که قصد داشتم بعد از ازدواجم در خارج از کشور زندگی کنم، این پیشنهاد را به نفیسه دادم و او هم استقبال کرد. برای همین در دوران نامزدی تمام کارهای‌مان را انجام دادیم و بعد از ازدواج و برگزاری جشن عروسی به مالزی رفتیم. اول من رفتم و یک ماه بعد هم نفیسه آمد و زندگی مشترک ما در آنجا آغاز شد، ولی نفیسه از همان روزهای اول شروع کرد به غر زدن و می‌گفت از زندگی در اینجا راضی نیست. با خودم گفتم حتما روزهای اول است و کمی که زمان بگذرد، نفیسه هم عادت می‌کند، ولی او هشت ماه بیشتر نتوانست در آنجا زندگی کند و بعد از آن گفت که به ایران برمی‌گردد. او به ایران برگشت و دیگر حاضر نشد به مالزی برگردد. هرچه اصرار کردم نفیسه گفت که نمی‌خواهد آنجا زندگی کند و ما باید به ایران برگردیم؛ در صورتی که من در آنجا کار پیدا کرده‌ام و زندگی تشکیل داده‌ام. برای همین وقتی اصرار نفیسه را دیدم تصمیم گرفتم از او جدا شوم.

من نمی‌توانم در آن کشور زندگی کنم، برای همین از شهاب خواستم که یا به ایران برگردیم یا حداقل به یک کشور دیگر که امکانات بهتری دارد مهاجرت کنیم



در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: وقتی پیشنهاد شهاب را برای زندگی در خارج از کشور شنیدم، استقبال کردم، ولی آن زمان نمی‌دانستم زندگی در خارج از کشور چقدر سخت است. وقتی رفتم و هشت ماه آنجا زندگی کردم تازه متوجه شدم غربت آدم را دیوانه می‌کند. هیچ چیز در مالزی خوب نبود و من همیشه افسرده بودم. هرچه سعی کردم با شرایط آنجا کنار بیایم، فایده‌ای نداشت. من نمی‌توانم در آن کشور زندگی کنم، برای همین از شهاب خواستم یا به ایران برگردیم یا حداقل به کشور دیگری که امکانات بهتری دارد، مهاجرت کنیم. مالزی جایی برای زندگی نبود، ولی او از تصمیمش منصرف نشد و گفت حاضر به انجام هیچ‌کدام از این کارها نیست. در صورتی که ما زمان زیادی آنجا نماندیم و می‌توانستیم به‌راحتی زندگی‌مان را در جای دیگری آغاز کنیم. شهاب به دلیل خودخواهی‌اش حاضر نشد از زندگی در مالزی بگذرد. خیلی با او صحبت کردم، ولی فایده‌ای نداشت. شهاب می‌گوید اگر همراه او به مالزی برنگردم مرا طلاق می‌دهد. من هم وقتی این موضوع را شنیدم، تصمیم به جدایی گرفتم، چون دیگر حاضر به زندگی در خارج از کشور نیستم. وقتی صحبت‌های این زوج به پایان رسید، قاضی سعی کرد آنها را از جدایی منصرف کند، ولی این زوج هیچ‌کدام از تصمیم خود منصرف نشدند. برای همین وقتی تلاش‌های قاضی بی‌نتیجه ماند، او رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از این زوج خواست در این فرصت از یک مشاور خانواده راهنمایی بگیرند تا شاید مشکل‌شان حل شود.

مهارت‌های زندگی را بیاموزید

نظر مشاور

سارا شقاقی، روان‌شناس در این خصوص می‌گوید: بلد نبودن مهارت‌های زندگی، اصلی‌ترین علت طلاق، به‌خصوص در سال‌های اول ازدواج است. توجه بیشتر به ارتقای این مهارت‌ها برای جوانان می‌تواند تاثیر بسزایی بر زندگی مشترک بگذارد. گاهی انتخاب، انتخاب خوبی است اما زوجین نمی‌دانند چگونه باید با هم رفتار کنند و همین ناآگاهی، آن انتخاب خوب را از بین می‌برد و کم‌کم زندگی مشترک با وجود انتخاب خوب و عشق میان زوج‌ها از بین می‌رود. نداشتن مهارت‌های همسرگزینی و نداشتن مهارت‌های زندگی مشترک مشکل‌های زیادی را ایجاد خواهد کرد. این دو از عمده‌ترین دلایل طلاق هستند که در قالب ناسازگاری‌ها خود را نشان می‌دهد. دو انسان با فرهنگ، منش، خانواده و نگرش‌های متفاوت زیر یک سقف زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند، در حالی که هیچ آگاهی در خصوص آشنایی آنان با مسائل زندگی وجود ندارد و این امر باعث می‌شود زندگی کم‌کم از هم بپاشد. برخی ازدواج‌ها نیز به‌صورت شتاب‌زده انجام می‌شود و چون زن و مرد در برخوردهای اول رفتار و واقعیت وجودی خود را بروز نمی‌دهند، پس از ازدواج، رفتارهای نمایشی کنار می‌رود و چهره واقعی دو زوج نمایان می‌شود. در آن شرایط است که هر دو احساس می‌کنند با یکدیگر فاصله دارند و وقتی راه‌حلی برای مسأله نیاموخته‌اند تقاضای طلاق می‌دهند.